



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعداد صلاة/مواقیت الصلاة

بجثمان در تعارض بین اخبار باب ۴ و باب ۸ از ابواب مواقیت الصلاة بود به این بیان که اخبار باب ۴ با تعابیر مختلف تاکید داشتند بر اینکه موقع زوال وقت ظهر و عصر داخل می شود اما اخبار باب ۸ دلالت داشتند بر اینکه بعد از زوال نماز ظهر و عصر را به اندازه قدم یا قدامان ذراع یا ذراعان به تاخیر بیاندازد، از این جهت فقهاء بزرگ ما مثل آقای بروجردی و آقای خوئی و فقیه سبزواری و حاج آقا رضای همدانی و دیگران خواسته اند بین این دو دسته از اخبار جمع دلالی کنند چون بالاخره هر دو از اهل بیت علیهم السلام نقل شده اند لذا اخبار باب ۸ را حمل بر تنفل کرده اند یعنی در این مدت مشغول نافله شوید و در واقع این تاخیر برای این است که اشخاص عادت کنند و نافله بخوانند، آیا چنین جمع دلالی درست است؟ چون بین خود این اخبار باب ۸ نیز تعارض وجود داشت (قدم أو قدامان ، ذراع أو ذراعان) و بعلاوه نافله خواندن انقدر طول نمی کشد و در روایات تاکید شده نافله را سریع تر بخوانید و به فریضه برسید، خلاصه عرض ما این است که جمع دلالی بین این اخبار به ترتیبی که عرض شد درست نیست لذا برخی از فقهاء ما راه دیگری در پیش گرفته اند که کلام برخی از آنها را نیز می خوانیم؛ صاحب حدائق اینطور فرموده :

«الأظهر عندي ان منشأ هذا الاختلاف في الاخبار انما هو التقية التي هي أصل كل محنة في الدين و

بلیة كما يدل عليه. ما رواه الشيخ في الصحيح - على الظاهر - عن سالم ابي خديجة عن ابي عبد الله عليه السلام قال: "سأله إنسان و انا حاضر فقال ربما دخلت المسجد و بعض أصحابنا يصلي العصر و بعضهم يصلي الظهر؟ فقال انا أمرتهم بهذا لو صلوا في وقت واحد لعرفوا فأخذ برقابهم" ... إلى: و المستفاد من هذه الاخبار و نحوها ان إيقاعهم الاختلاف في الأحكام لا يتوقف على القول بالحكم المخالف من العامة»^۱.

این خبری که ایشان فرموده "ما رواه الشيخ" خبر ۳ از باب ۷ از ابواب مواقیت می باشد، خبر این است: ﴿وعن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمان بن أبي هاشم البجلي عن سالم أبي خديجة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأله إنسان وأنا حاضر، فقال: ربما دخلت المسجد وبعض أصحابنا يصلون العصر وبعضهم يصلي الظهر، فقال: أنا أمرتهم بهذا لو صلوا على وقت واحد عرفوا فأخذوا برقابهم. ورواه الشيخ بإسناده عن محمد بن يحيى، وإسناده عن محمد بن يعقوب مثله﴾^۲.

کلینی عن محمد بن یحیی ابو جعفر عطار قمی که مقام بسیار بالائی دارد عن محمد بن الحسین ابی الخطاب عن عبد الرحمان بن ابی هاشم بجلی عن سالم ابی خدیجه که همگی ثقه می باشند.

خلفاء در مقابل اهل بیت علیهم السلام و شیعیان برای خودشان تشکیلاتی داشتند محدث و فقیه و مصنف داشتند و خودشان نماز جماعت و جمعه می خواندند لذا

^۱ الحدائق الناظرة، شیخ یوسف بحرانی، ج ۶، ص ۱۴۲.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۰۰، ابواب مواقیت، باب ۷، حدیث ۳، ط الاسلامیة.

خبر سندا صحیح است و معلوم می شود خود ائمه علیهم السلام اینجور بین شیعیان و اصحاب اختلاف ایجاد می کردند تا آنها را حفظ کنند.

علامه مجلسی نیز در بحار بعد از نقل اخباری که بر این مطلب دلالت دارند اینطور فرموده: «ثم إنه لما كان المشهور بين المخالفين تأخير الظهرين عن أول الوقت بالمثل والمثلين فقد اختلف الاخبار في ذلك ، ففي بعضها ، إذا صار ظلك مثلك فصل الظهر وإذا صار ظلك مثلك فصل العصر ، وفي بعضها ، أن آخر وقت الظهر المثل ، وآخر وقت العصر المثان ، كما ذهب إليه أكثر المتأخرين من علمائنا وفي بعضها أن وقت نافلة الزوال قدمان ، ووقت فريضة الظهر ونافلة العصر بعدهما قدمان ، ووقت فضيلة العصر أربعة أقدام في بعض الاخبار وفي بعضها قدمان وفي بعضها قدمان ونصف ، وفي كثير منها أنه لا يمنعك من الفريضة إلا سبحتك إن شئت طولت ، وإن شئت قصرت.

والذي ظهر لي من جميعها أن المثل والمثلين إنما وردا تقيية لاشتهارهما بين المخالفين... إلى آخر كلامه الشريف»^۴.

سید شرف الدین در ص ۲۴۷ از کتاب المراجعات و در مراجعه ۶۴ حق مطلب را اداء کرده که چقدر بر شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام سخت بوده که شناخته شوند، آنها را می کشتند و تبعید می کردند و بسیار بر آنها سخت می گرفتند لذا ائمه علیهم السلام سعی می کردند که آنها شناخته نشوند.

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

اگر اصحاب امام صادق علیه السلام و شیعیان جمع می شدند و با هم نماز می خواندند آنها پی می بردند که شیعیان یک عده و حزب و زمره ای هستند و دارای فرهنگی غیر از فرهنگ ما هستند و معلوم می شود رئیس و رهبر اینها با ما فرق دارد و با ما اختلاف دارد و ما بایستی آنها و رئیسشان را از میان برداریم تا اختلافی نباشد و حکومت و اداره جامعه تماما در اختیار ما باشد لذا پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود ما عمدا بین شما اختلاف ایجاد می کنیم تا از شر دشمنان در امان باشید و در این خبر نیز حضرت می فرماید: "أنا أمرتهم بهذا لو صلوا على وقت واحد عرفوا فأخذوا برقابهم".

خبر بعدی که در همین موضوع ذکر شده این خبر است: ﴿محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشي في كتاب (الرجال) عن حمدويه، عن محمد بن عيسى، عن القاسم بن عروة، عن ابن بكير قال: دخل زارة علي أبي عبد الله عليه السلام فقال: إنكم قاتم لنا: في الظهر والعصر على ذراع وذراعين، ثم قلت: أبردوا بها في الصيف، فكيف الأبراد بها؟ وفتح الواحة ليكتب ما يقول فلم يجبه أبو عبد الله عليه السلام بشئ، فأطبق ألواحه وقال: إنما علينا أن نسألكم وأنتم أعلم بما عليكم و خرج، ودخل أبو بصير علي أبي عبد الله عليه السلام فقال: إن زارة سألتني عن شئ فلم أجبه وقد ضقت من ذلك، فاذهب أنت رسولي إليه فقل: صل الظهر في الصيف إذا كان ظلك مثلك، والعصر إذا كان مثلك، وكان زارة هكذا يصلي في الصيف، ولم أسمع أحدا من أصحابنا يفعل ذلك غيره و غير ابن بكير.﴾^۳.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۱۰، ابواب مواقیف، باب ۸، حدیث ۳۳، ط الاسلامیة.

^۴ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۸۳، ص ۳۵، ط مؤسسة الوفاء بیروت.